

بررسی رابطه بین احساس امنیت اجتماعی با نشاط اجتماعی مورد مطالعه (شهر اردبیل)

مژگان مشفق^۱، احمد جهانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱

صفحه: ۵۹-۸۱

چکیده

شادی و نشاط یکی از معیارهای سلامت روانی انسان هاست و موهبت بزرگی است که باید آن را جستجو کرد، یافت و غنیمت شمرد و به دیگران نیز منتقل کرد؛ و همه مردم خواستار آن هستند. هدف از مطالعه حاضر بررسی رابطه بین احساس امنیت اجتماعی با میزان نشاط اجتماعی در بین مردم شهر اردبیل است. این مطالعه از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این مطالعه را مردان بالای ۱۵ سال ساکن در شهر اردبیل تشکیل می‌دهند که با استفاده از جدول مورگان تعداد ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و برای سنجش متغیر نشاط اجتماعی از پرسشنامه ۲۹ سؤالی شادکامی آکسفورد و برای سنجش احساس امنیت اجتماعی از پرسشنامه محقق ساخته ۲۰ سؤالی با طیف لیکرت استفاده شده است در این پژوهش برای استخراج اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها از نرم‌افزار SPSS و از آزمون‌های پارامتریک پیرسون و رگرسیون چند متغیره و T دو گروه مستقل استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان داد که بین هر یک از متغیرهای امنیت اجتماعی، امنیت شغلی، امنیت روانی و امنیت جانی با عنوان متغیر پیش‌بین و میزان نشاط اجتماعی به عنوان متغیر ملاک رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

کلید واژه‌ها: نشاط اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، شادکامی، نیازهای روانی.

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، رشته حقوق.

^۲ نویسنده مسئول: کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه پیام نور اردبیل،

ایمیل: Ahmad.jahani2010@yahoo.com، تلفن: ۰۹۳۵۲۴۲۴۶۶۰

مقدمه و بیان مسئله

در تمام دوران حیات بشری بر پهنه هستی، امنیت از عناصر اصلی نیازهای انسانی محسوب شده و در دوران مدرن اهمیت این امر تا اندازه‌ای افزایش یافته است که به تعبیر برخی، کار ویژه بی‌بدیل حکومت‌ها در جامعه مدرن امروزی و عصر مدرنیته، ایجاد و حفظ امنیت در معنای وسیع آن است. امنیت در مفهوم عینی آن، فقدان تهدید علیه ارزش‌ها است و در مفهوم ذهنی، به معنای فقدان احساس ترس از این است که چنین ارزش‌هایی مورد حمله قرار گیرد (افشار، ۱۳۸۵). ریشه لاتین کلمه سکورس^۱ که در لفظ به معنای بدون دغدغه است. واژه امنیت در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلف است. فرهنگ آکسفورد این واژه را با عبارت زیر تعریف کرده است شرایطی که در آن یک موجود در معرض خطر نبوده و یا از خطر محافظت می‌شود. تعاریف مندرج در فرهنگ لغات درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی احساس ایمنی یا احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (عارفی، ۱۳۸۲).

احساس امنیت یکی از ابعاد اساسی مفهوم امنیت در معنای کلی آن است نویسندگان و پژوهشگران برجسته حوزه مطالعات امنیت، توصیف‌های مختلفی از این مفهوم ارائه داده‌اند که همگی بیانگر چند چهره بودن و ابهام مفهوم امنیت‌اند. ولفرز (۱۹۵۲) امنیت را نمادی مبهم خواند (کرامتی، ۱۳۸۵). نماد امنیت ملی چیزی نیست مگر عاملی برای افزایش ابهام که دارای پیچش معنایی خاصی است (افتخاری، ۱۳۸۱). مک‌دونالد کوشید با استفاده از برخی طبقه‌بندی‌ها، ابهام مفهوم امنیت را رفع کند؛ اما در چنبره طبقه‌بندی‌های خود با شکست روبه‌رو شد و اعلام کرد که امنیت مفهومی «نارسا» است (بوزان، ۲۰۰۰). مورگان در این باره می‌گوید: امنیت مانند سلامتی یا منزلت نوعی شرایط است که به آسانی تعریف و تحلیل نمی‌پذیرد. مک سوینی امنیت را واژه‌ای

^۱. securus

لغزنده و بی ثبات می خواند که در گستره گیج کننده‌ای از زمینه‌های متنوع و در جهت اهداف چندگانه به وسیله افراد، شرکت‌ها، حکومت‌ها و اندیشمندان دانشگاهی به کار رفته است و در این فضا مجموعه‌ای از چیزها، مردم، وسایل، اهداف، حوادث خارجی و احساسات درونی منظور شده‌اند (فرانک و بوهرلر، ۲۰۰۸). تعبیر بوزان درباره پیچیدگی مفهوم امنیت این است که امنیت یک مفهوم توسعه نیافته است. به نظر وی امنیت هنوز توسعه لازم را پیدا نکرده است که بتوان یک مصداق واحد خارجی برای آن قائل شد و تعریف مشخصی از آن ارائه داد (تاجیک، ۱۳۷۸).

یکی از متغیرهای که می‌تواند با احساس امنیت اجتماعی در ارتباط باشد نشاط اجتماعی است. شادی و نشاط یکی از معیارهای سلامت روانی انسان‌هاست، به طوری که دوگال (۱۹۲۱) معتقد است شادی از عمل هماهنگ همه عواطف یک شخصیت یکپارچه و کاملاً منسجم ناشی می‌شود که در آن احساسات اصلی یکدیگر را در یک رشته اعمالی که همگی متوجه یک یا چند هدف تقریباً متعهد و هماهنگ است، تقویت می‌کند (ریو، ۱۹۹۸). شادمانی و نشاط به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی بشر، به دلیل تأثیرات عمده‌ای که بر شکل‌گیری شخصیت آدمی و در یک کلام مجموعه زندگی انسان دارد. همیشه ذهن انسان را به خود مشغول کرده است. از مهم‌ترین نکاتی که در این زمینه مطرح است، چگونگی حصول شادمانی، تقویت آن و عوامل تأثیرگذار بر دستیابی به این نیاز حیاتی است. شخصیت، عزت نفس، اعتقادات مذهبی، سرمایه اجتماعی، فعالیت‌های اوقات فراغت و ... از جمله عواملی هستند که پژوهش‌ها نشان می‌دهد بر این پدیده تأثیر به سزایی دارند. گسترش شهرها و صنعتی شدن جوامع تأثیرات فراوانی در نشاط یک جامعه دارد و چنانچه مسائل حاشیه‌ای از جمله درگیری‌ها و ناامنی‌های اجتماعی هم به این موارد اضافه شود در نهایت آنچه را که باید در هیاهوی شهرنشینی جست‌وجو کرد نشاط و شادی عمومی است. جامعه ایران به لحاظ مواجه شدن با تحولات ساختاری همانند افزایش سالانه جمعیت، مسائل اقتصادی،

اجتماعی و سیاسی و هم‌چنین گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن و در آستانه ورود به عرصه دنیای فناوری شاهد بروز پدیده‌های مختلف اجتماعی است که این موضوع نشاط و شادی جامعه ایران را بیشتر از گذشته تحت تأثیر قرار داده است. شادی و نشاط به درجه و میزان از احساس اطلاق می‌شود که شخص درباره مطلوبیت کیفیت کل زندگی خود قضاوت می‌کند. به عبارت دیگر، شادی به این معناست که فرد به چه میزان زندگی خود را دوست دارد (وینهون، ۱۹۸۴).

اهمیت مطالعه شادکامی به حدی است که برخی پژوهشگران قدیمی و نظریه‌پردازان افسردگی از جمله سلیگمن معتقدند بهتر است به جای توجه به افسردگی به شادمانی توجه نماییم. این توجه باعث شده است پژوهشگران مختلف ضمن تعریف شادمانی، پژوهش‌هایی نیز در مورد عوامل مؤثر و شیوه‌های افزایش آن انجام دهند. سلامت روانی افراد با انجام پژوهش‌های متعدد مورد بررسی قرار گرفته است. در حوزه روانشناسی، شادکامی به عنوان مؤلفه مهم از سلامت روانی محسوب می‌شود (پاییزی و همکاران، ۱۳۸۶). بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که در مفهوم شادی حداقل سه جز اساسی عاطفی، شناختی و اجتماعی وجود دارد جز عاطفی باعث حالات هیجانی می‌شود، جز شناختی موجب برخورداری از تفکری می‌شود که وقایع روزمره را با خوشبینی، تعبیر و تفسیر می‌کند جز اجتماعی منجر به روابط اجتماعی گسترده و مثبت با دیگران می‌شود (هونکانن و همکاران^۱، ۲۰۰۱؛ به نقل از پاییزی و همکاران، ۱۳۸۶).

شادی موهبتی است که همه مردم از عوام و خواص خواستار آن هستند و ما می‌پرسیم در زمان ما پاسخ به این پرسش چیست؟ زندگی که هدفش تنها برآورد شدن غرایز باشد، رنج‌آور است. عصر ما با همه پیشرفت‌های مادی، نشاط و شادابی حقیقی را گم کرده و گرفتار سرگردانی و پوچ‌گرایی نهیلیسم شده است. قدرت‌های استبدادی با استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و جنگ‌های خانمان‌سوز، بشر را پریشان کرده است.

^۱.Hunkkanen at el

اخلاق بشر تنها در ارضاء غریزه و تأمین هوس‌ها خودنمایی می‌کند. عدم عزت‌نفس و احساس بیهودگی روی آوردن به عادت‌های ناپسند را افزایش داده است. از نشاط و شادابی واقعی اثری نیست، نشاط و شادابی به تسلیم شدن در برابر مواد تخدیر کننده چون الکل، حشیش، مورفین و کوکائین و قرص‌های به‌اصطلاح شادی‌زا و بالاخره تسلیم نفس به صحنه‌های مبتذل و بیمار کننده روح، تبدیل شده است (صفری شالی، ۱۳۸۶). نشاط در زندگی، ترکیبی است از شرایط فردی و اجتماعی و در واقع خود نشانه‌ای است از نگرش‌های مثبت به جهان و محیطی که فرد را فرا گرفته و در آن زندگی می‌کند. نشاط در زندگی، احساس خوشبختی، اعتماد متقابل، احساس تعهد و موارد مشابه، همه در یک دسته فرهنگی قرار دارند و نشانه نگرش فرد به خود و جهان پیرامون هستند. سطح پایین نشاط اجتماعی در افراد تا حدودی به گرایش‌های منفی آن‌ها نسبت به جامعه مربوط می‌شود. شاید دلیل عمده این شرایط، وضعیتی است که جامعه با تحقق اهداف و ایجاد امنیت ناشی از تحقق آن، برای افراد فراهم می‌کند. احساس امنیت ناشی از ارضاء نیازها و تحقق اهداف، از جمله عوامل اساسی است که نشاط در زندگی را بین افراد جامعه گسترش می‌دهد و در نهایت هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین احساس امنیت اجتماعی با میزان نشاط اجتماعی در بین مردم شهر اردبیل است.

این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است؛

- ۱- چه ارتباطی بین میزان امنیت اجتماعی و نشاط اجتماعی وجود دارد؟
- ۲- چه ارتباطی بین امنیت شغلی و نشاط اجتماعی وجود دارد؟
- ۳- چه ارتباطی بین امنیت روانی و نشاط اجتماعی وجود دارد؟
- ۴- چه ارتباطی بین امنیت جانی و نشاط اجتماعی وجود دارد؟
- ۵- چه تفاوتی بین میزان نشاط اجتماعی بر حسب جنسیت وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

ابراهیمی و بنی فاطمه (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین میزان احساس امنیت اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی در بین کارکنان استانداری آذربایجان شرقی به این نتیجه رسیدند که بین میزان احساس امنیت اجتماعی و مؤلفه‌های آن؛ احساس امنیت روانی و شغلی و میزان نشاط اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد و به‌غیراز سن، تفاوت معناداری در میزان نشاط اجتماعی بر اساس جنس، وضعیت تأهل، وضعیت استخدامی و سابقه کاری وجود ندارد.

پژوهشی با عنوان بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان توسط چلبی و موسوی (۱۳۸۷) انجام شده است که با اتخاذ رویکرد جامعه‌شناختی به بررسی شادمانی پرداخته شده است. در این پژوهش از روش پیمایش و روش تطبیقی کمی (داده‌های ثانویه) استفاده شده است که در سطح خرد، از روش پیمایش اجتماعی استفاده شده است و در سطح کلان، از داده‌های ثانویه استفاده شده است. در پژوهش مربوطه که با انتخاب ۳۸۶ نفر از شهرهای تهران، یزد، اردکان و میبد، با استفاده از پرسشنامه آکسفورد انجام شده است، برای سنجش سطح شادمانی نمونه‌ها طبق داده‌های اخیر، رتبه‌ی سازمانی ایران در میان ۶۹ کشور، رده ۶۱ است که رده نازلی است. داده‌های پژوهش مربوطه نیز میانگین شادمانی در چهار شهر مزبور را در سطح پایینی نشان می‌دهد. یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که روابط اجتماعی توأم با اعتماد، اثر تعیین‌کننده‌ای بر شادمانی دارد و در این میان خانواده به‌عنوان عمده‌ترین تأمین‌کننده‌ی شادمانی افراد محسوب می‌شود.

ربانی (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان فرهنگ شادی، رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان انجام داده است. بر اساس نتایج حاصل از روش‌های آماری مورد استفاده، میزان شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان ۵۶/۲۳ بوده، به‌گونه‌ای که میانگین بعد احساس شادی ۵۹/۳۷، میانگین بعد شناختی ۵۳/۸۸ و

میانگین بعد اجتماعی آن ۵۵/۴۲ است. هم‌چنین میانگین سرمایه فرهنگی با میانگین ۳۱/۸۹ دارای بیشترین حد و مدارک فرهنگی دارای کمترین میانگین ۱۹/۱۶ است. هم‌چنین میانگین دارا بودن وسایل فرهنگی در جامعه آماری مورد مطالعه ۳۱/۶۸ است. به‌علاوه در بین سبک‌های فراغتی تعیین‌شده توسط فن تحلیل عاملی، میانگین اوقات فراغت خانوادگی ۵۳/۷۸، اوقات فراغت تفننی ۳۶، اوقات فراغت ورزشی ۲۸/۰۱، اوقات فراغت فرهنگی - هنری ۲۰/۴۳، اوقات فراغت علمی - فرهنگی ۱۵/۲۴ است. بر اساس آمارهای موجود اگرچه میزان سرمایه فرهنگی و سبک‌های فراغتی - فرهنگی در بین سرپرستان میانگین پایینی دارد اما همواره با احساس شادمانی آن‌ها همبسته است به‌طوری‌که به نظر می‌رسد. با افزایش آن‌ها میزان شادی نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر دین‌داری نیز به‌عنوان یکی از مشخصه‌های فرهنگی در شهر اصفهان با احساس شادی سرپرستان خانوار رابطه معنی‌دار و مستقیمی دارد.

پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی با تأکید بر استان تهران توسط هزارجریبی و آستین فشان (۱۳۸۶) انجام گرفته است. پژوهش حاضر به شناسایی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی به‌عنوان یکی از پارامترهای توسعه اجتماعی می‌پردازد. مجموعه مطالعات نشان داد که تقویت نشاط اجتماعی در جامعه به‌صورت تک‌علتی نمی‌باشد بلکه مجموعه‌ای از عوامل فردی و فرا فردی مثل احساس محرومیت، ارضای نیازها، احساس مقبولیت نزد دیگران، احساس عدالت توزیعی، فضای عمومی جامعه، پایگاه اقتصادی و اجتماعی در تقویت و یا کاهش نشاط در افراد جامعه تأثیر دارند. به لحاظ روش‌شناسی، تحقیق حاضر در دو سطح توصیفی و تحلیلی همبستگی انجام شده و برای شناخت عوامل مرتبط با نشاط اجتماعی از آزمون‌های شدت همبستگی و رگرسیون چند متغیره استفاده شد. یافته‌ها بیانگر متوسط بودن این احساس در بین اکثریت پاسخگویان است به این معنی که ۵۴ درصد احساس نشاط اجتماعی خود را در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند.

مبانی نظری پژوهش

نظریه لذت‌گرایی

بر اساس این نظریه، خوشبختی فقط یک احساس است. زندگی شاد، لذت انسان را افزایش داده و از غم او می‌کاهد. لذت‌گرایی اشاره دارد به نظریه‌ای درباره‌ی ارزش و انگیزش که بر این اعتقاد استوار است که ارزش‌های نهایی و انگیزه‌های عمل انسان در آن لذتی که برای فرد یا جامعه به وجود می‌آید و در پرهیز او، از رنج نهفته است. لذت‌گرایی در روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی نفوذ کاملی نداشته است. افراد بسیاری اصل لذت - درد را در بیانی بیش از حد ساده و سطحی از رفتار انسان می‌دانند. جنبه روان‌شناختی آن مورد تردید است؛ زیرا که فردگرایانه و اراده‌گرایانه است و «اصل آزادی اراده را چنان مسلم می‌انگارد که برای بررسی بیشتر علل تبهکاری یا کوشش برای خودداری از ارتکاب جرم هیچ امکانی نمی‌دهد یا امکان کمی می‌دهد» وانگهی هدف‌هایی که ما تعقیب می‌کنیم هدف‌های ذهنی نیستند. چیزهای بزرگ زندگی عینی‌اند. بزرگ‌ترین چیزها آن‌هایی هستند که ما خود را برای آن‌ها فدا می‌کنیم و بدین‌سان خود را تحقق می‌بخشیم. سوداگران نمی‌توانند این چهره از تلاش انسان را ترسیم کنند. ملاحظه‌کار صرفاً عبارت از جمع جبری خوشی‌ها و رنج‌ها نیست. کار ملاحظه و سنجش عبارت است از «حل گرفتاری‌ها، فعالیت موجود، اعاده استمرار،... و هدایت مجدد عادت و نتیجه‌اش جریانی است که برای عمل انتخاب می‌شود». مع‌هذا لذت‌گرایی را باید به صورت لایه‌ای از نظریه جامعه‌شناسی نوین در بیان سامنر (۱۹۰۶) یافت که گفت: «توان تمایز شادی از درد تنها نیروی روانی است که فرض آن را پارسنز مسلم انگاشته است». او در می‌گوید «بنا به تعریف در نظریه کنش برای کنشگری معنی است که به دنبال محرومیت باشد و از کامروایی پرهیزد» (سیلگمن و رویمن، ۲۰۰۳).

نظریه دستیابی به ارزش‌ها

بر اساس این نظریه، نشاط و خوشبختی یک احساس فردی نیست، بلکه واقعیتی مستقل از احساسات فردی است که عبارت است از دستیابی به چیزهای که از نظر عموم واقعاً ارزشمند به حساب آید. به عنوان مثال، اگر کودکان خیابانی احساس خوشبختی و رضایت کنند، ممکن است بر اساس نظریه لذت‌گرایی یا نظریه خواسته‌ها، خوشبخت به حساب آیند، اما بر اساس نظریه دستیابی به ارزش‌ها افراد خوشبختی قلمداد نمی‌شوند (کریمی، ۱۳۷۳).

نظریه خوشبختی و نشاط

بر اساس این نظریه، سه منبع برای خوشبختی و نشاط وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱- لذایت زندگی ۲- دل‌بستگی‌های زندگی و ۳- کارهای مفید هدفمند. دو مورد اول سلیقه‌ای هستند و به برداشت شخصی فرد از وقایع و رویدادهای زندگی بستگی دارند؛ اما مورد سوم، به‌زعم سیلگمن، انجام کارهایی است که به‌منظور دستیابی به ارزش‌ها صورت می‌گیرند و هدفی فراتر از ارضای تمایلات فردی را دنبال می‌کنند. به نظر وی، خوشبختی تلفیقی از سه مورد ذکرشده به شمار آمده و خوشبختی واقعی زمانی حاصل می‌شود که فرد به این سه منبع خوشبختی دست یافته باشد.

نظریه خواسته‌ها

بر اساس این نظریه، خوشبختی به معنای دستیابی به خواسته‌هاست و زمانی که فرد خواسته خود را در قالب «دستیابی به شادی و رهایی از غم» تعریف می‌کند، نظریه خواسته‌ها، نظریه لذت‌گرایی را نیز در بر می‌گیرد (سیلگمن و رویمن، ۲۰۰۳).

نظریه محرومیت نسبی

از جمله نظریه‌های مطرح دیگر در ارتباط با نشاط، نظریه محرومیت نسبی است. بر اساس این دیدگاه، انسان عموماً به مقایسه خود با دیگران می‌پردازد و در این رابطه وقتی احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کند، واکنش‌های شدید عاطفی (مانند تعویض شغل،

کارشکنی، خودکشی و ...) نشان می دهند. همچنین وقتی این احساس به اعلا درجه خود برسد، به احساس تضاد اجتماعی می انجامد و تعارضات شدیدی را در پی دارد یکی از افرادی که به طور عمد به مفهوم فقر به مثابه محرومیت نسبی پرداخته، «پیتر تاووزند» است. به نظر او زمانی که مردم درمی یابند که آن ها به دلیل فقدان درآمد قادر به برخورداری از برخی ارزش های مرسوم که در جامعه مقبولیت یافته، نیستند. می توان گفت که اینان محرومیت نسبی و فقر را تجربه می کنند. او در توضیح محرومیت نسبی تأکید زیادی بر نیاز به مشارکت در عادات روزانه، چگونگی گذران اوقات فراغت و فرهنگ سیاسی زندگی مردم دارد (صفری شالی، ۱۳۸۶).

نظریه سنگلمن

سنگلمن هیجان های مثبت را به سه دسته آن هایی که با گذشته، حال و آینده پیوند دارند تقسیم می کند. هیجان های مثبت مرتبط باحال نیز دودسته لذت های آنی و لذت های عالی و نسبتاً پایدار تقسیم می شوند. به نظر سنگلمن لذت های عالی و نسبتاً پایدار، شامل احساساتی نظیر سعادت، راحتی، سرخوشی و شادمانی می باشند. شادمانی به معنای امروز آن در درون مفاهیم گسترده تری نظیر خوشبختی و کیفیت زندگی قرار دارد. علاقه دانشمندان اجتماعی به موضوع شادمانی، بخصوص هنگامی که کیفیت زندگی باید از نگاه خود افراد ارزیابی شود، بیشتر سوق یافته است (وینهوون، ۱۹۸۴). از طرف دیگر یکی از مفاهیم بسیار نزدیک به شادمانی مفهوم خوشبختی ذهنی است. به نظر دینر (۲۰۰۰)، شادمانی در واقع همان چیزی است که اکنون محققان این رشته آن را خوشبختی ذهنی می نامند (شریفی و همکاران، ۱۳۸۶).

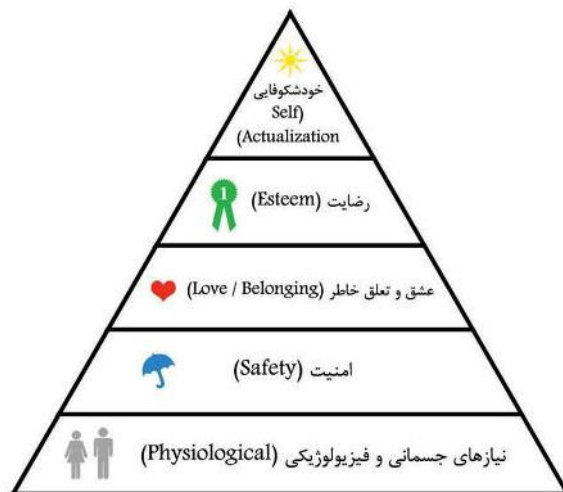
تئوری ارجاع ادراکی شادمانی

بخشی دیگر از نظریات مطرح شده در حوزه شادمانی، بر فرایندهای ذهنی منجر به شادمانی بدون توجه و یا حداقل، توجه حاشیه ای به اثرات ناشی از ساختارهایی که در سطح گروه و جامعه مطرح اند تأکید می ورزند. تئوری ارجاع ادراکی شادمانی بیان

می‌کند که افراد دارای یک ارجاع ادراکی به زندگی شاد می‌باشند و این ارجاع در قضاوت آن‌ها از زندگی و شادمانی‌شان نقش شایانی ایفا می‌کند. تئوری ارجاع شادمانی همچنین، قضاوت افراد به یک زندگی خوب را بیشتر از عامل احساسی، متکی بر عامل شناختی می‌داند. روجاس (۲۰۰۵) پس از گونه‌شناسی این ارجاعات و سپس بررسی تجربی آن، نتیجه می‌گیرد که افراد می‌توانند درحالی که ارجاع ادراکی متفاوتی نسبت به شادمانی دارند، به یک اندازه شاد باشند (الوانی، ۱۳۷۸).

نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مازلو

نظریه مازلو درباره انگیزش درواقع هسته نظریه شخصیت او را تشکیل می‌دهد. نظر او درباره انگیزش کاملاً روشن و قابل‌فهم است. به گفته او هر فردی دارای تعدادی نیازهای ذاتی است که فعال‌کننده و هدایت‌کننده رفتارهای او است. این نیازها غریزی هستند، یعنی ما با آن‌ها به دنیا می‌آییم؛ اما رفتارهایی که ما برای ارضای این نیازها بکار می‌بریم ذاتی نیستند؛ بلکه آموختنی بوده و بنابراین افراد مختلف تفاوت‌های زیادی ممکن است پیدا کنند. در سلسله‌مراتب نیازها، نیازهایی که در پله‌های پایین‌تر نردبان انگیزش هستند، باید پیش از نیازهایی که در پله‌های بالاتر نردبان قرار دارند، ارضا شوند. درواقع نیازهای رده‌بالاتر ظاهر نمی‌شوند مگر آنکه نیازهای رده‌های پایین‌تر لاقلاً تا حدودی ارضا شده باشند. به‌عنوان‌مثال، شخصی که گرسنه بوده و به خاطر امنیت خود در وحشت باشد، نیاز تعلق و عشق را احساس نخواهد کرد. فرد در اینجا فکر و ذکرش نان است نه عشق (وینهون، ۱۹۸۴).



سلسله مراتب نیازهای انسان (هرم مازلو)

هرچه نیازها از نظر سلسله مراتب در رده پایین تر باشند قوت، توانایی و اولویت آنها بیشتر است و نیازهای رده های بالاتر بعدها در دوران رشد تحولی نوع بشر پیدا شده اند. همه موجودات زنده به غذا و آب نیاز دارند، اما تنها انسان ها هستند که نیاز به خود شکوفایی و دانستن و فهمیدن دارند؛ بنابراین هر چه نیازی از نظر سلسله مراتب بالاتر باشد، به شکل بارزتری انسانی خواهد بود و ارضا کردن نیازهای سطوح بالاتر سلامت بهتر، عمر طولانی تر، به طور کلی کارایی زیست شناختی بیشتری ایجاد می کند و به این دلیل مازلو آنها را نیازهای ترقی می نامد (کریمی، ۱۳۸۱). وقتی هیچ یک از این نیازها ارضا نمی شوند، مریض می شویم. درست همان طور که سلامت انسان در گرو مصرف کافی ویتامین ث است، درست کار کردن انسان هم در گرو دریافت عشق و محبت کافی از دیگران است. برای حرکت کردن به سوی خود شکوفایی باید نیازهای اساسی به قدر کافی ارضا شوند تا به ارضای نیازهای متعالی یا فرایندها دل بیندیم.

نظریه ارزش منزلت

نظریه ارزش منزلت نیز به بررسی عوامل تأثیرگذار بر میزان احساس نشاط و رضایت از زندگی می‌پردازد. این نظریه، سطوح داده‌ها را به اندازه سطوح پاداش‌ها مورد توجه قرار می‌دهد. بر اساس نظریه ارزش منزلت، هر فرد دوست دارد با توجه به موقعیت خود (که شامل سطح تحصیلات، میزان زحمت و تلاش، امکانات و ...) منزلت و جایگاه مناسب در جامعه و محل کار و خانواده داشته باشد. اگر فرد چنین شرایطی را دارا باشد احساس نشاط و رضایت از زندگی خواهد داشت و در غیر این صورت احساس کسالت، ناامیدی و نارضایتی می‌کند (بوزان، ۲۰۰۰).

نظریه برابری

نظریه دیگری که در زمینه احساس نشاط و رضایت از زندگی مطرح است، نظریه برابری است. بر اساس این نظریه، مفهوم انسان اقتصادی به‌طور گویائی کلیه جنبه‌های انسان را بازگو نمی‌کند، از این رو باید به دنبال مفاهیم دیگری باشیم که به نحو مؤثری مبانی انگیزشی و رفتاری انسان را مورد توجه قرار دهند. واضع نظریه برابری، فردی به نام «جی. اس. آدامز» است. اساس این نظریه مبتنی بر ادراک فرد از شغل خود بوده و چگونگی رفتار او را در برابر سازمان بیان می‌دارد. طبق این نظریه، هر فرد خصوصیات و قابلیت‌هایی چون تجربه و تبحر، تحصیلات، هوش، استعداد، سن و سوابق کاری را با خود به سازمان (محیط زندگی و فعالیت خود) می‌آورد و در مقابل انتظار دارد سازمان یا محیط بیرون نیز متناسب با این خصوصیات، مزایا و پاداش‌هایی را در اختیارش قرار دهد. چنان چه شخص احساس کند که بین این دودسته عوامل، نوعی برابری و هم‌پایگی موجود است، این امر در او آرامش و رضایت ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، بشر همیشه در پی آن است که با او به‌طور منصفانه رفتار شود (الوانی و همکاران، ۱۳۷۰). در این نوشتار به‌جای سازمان کار، مقوله جامعه و به‌جای پاداش و مزایای سازمان، مقوله امکانات و تسهیلات منطقه سکونت قرار داده شده و از این طریق نظریه

برابری، مورد آزمون قرار گرفته است. انسان می‌کوشد تا با دست زدن به رفتارهای گوناگون، در مقابل عوامل بیرونی و درونی، واکنش‌های ارضاکنده از خود نشان دهد. هرگاه دست زدن به عملی برای پاسخ به عوامل درونی و بیرونی کفایت کند، فرد در مواجهه با مسئله نخواهد بود و از این‌رو دچار تعارض نمی‌شود؛ اما هرگاه برای پاسخ به عوامل درونی و بیرونی، دو عمل متفاوت و متضاد لازم باشد، فرد دچار تعارض و نگرانی خواهد شد و احساس رضایت نمی‌کند (الوانی، ۱۳۷۸).

احساس امنیت اجتماعی

با تکیه بر آراء بوزان و ویور که نقطه‌ی آغازین امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم کنشگران معرفی می‌کنند؛ متغیر وابسته‌ی تحقیق احساس امنیت اجتماعی در نظر گرفته شده است. احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از اینکه ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی مورد تهدید قرار گیرند و یا به مخاطره افتند. همچنین نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود (افشار، ۱۳۸۵). احساس امنیت اجتماعی در این مطالعه به سه بعد امنیت مالی، امنیت جانی و امنیت سیاسی تقسیم شده است. بوزان و ویور با الهام از عقاید جان لاک به تحلیل ابعاد امنیت پرداخته‌اند. بوزان در جمله‌ای از جان لاک نقل می‌کند که: هدف اصلی انسان‌ها از اینکه خود را در اختیار دولت قرار می‌دهند، حفظ دارایی آن‌هاست (بوزان، ۲۰۰۰).

امنیت جانی

هرگونه تهدیدی که علیه جان انسان‌ها وجود داشته باشد امنیت جانی آن‌ها را از بین می‌برد بنابراین شرایط امنیت جانی شرایطی است که هیچ‌گونه تهدیدی علیه جان افراد جامعه وجود نداشته باشد.

امنیت مالی

منظور از امنیت مالی این است که دارایی و اموال افراد تا چه حد در امنیت است و این دارایی‌ها مورد تهدید قرار نمی‌گیرند (صمدی بگه‌جان، ۱۳۸۴).

نظریه‌ی رویکردهای مدرن و آراء انتقادی

رویکردهای مدرن و آراء انتقادی اهمیت حمایت از انسان‌ها یا محیط را یادآور شدند و بر مراجع امنیتی متعددی تأکید کردند در واقع رویکردهای انتقادی، نخست، تقدم عناصر نظامی و دولت را موردانتقاد قرار دادند. مطالعات انتقادی در حوزه‌ی امنیت، به‌وسیله‌ی گسترش و عمق بخشیدن به مفهوم امنیت و رد جایگاه برتر دولت به‌مثابه‌ی مرجع و هم عامل و کارگزار امنیت، نه‌تنها توانست مسیری را که در آن مرجع امنیت به‌صورت سنتی تصور می‌شد تغییر دهد، بلکه اهداف و نقطه نظرات مطالعات کلاسیک امنیت را نیز دگرگون ساخت. از سوی دیگر، همان‌طور که ایده‌ی امنیت ملی از نگرش سنتی فاصله گرفت، بعد ذهنی امنیت نیز در کنار بعد عینی و یا حتی مهم‌تر از آن، جلوه کرد. چنانکه اکنون برخی امنیت ملی را بدون احساس امنیت که یک برداشت ذهنی است، بی‌معنا می‌دانند (خادمی، ۱۳۸۸).

نظریه‌ی اجتماعی بوزان

باری بوزان برای نخستین بار اصطلاح امنیت اجتماعی را در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» به کاربرد امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر اساس آن، افراد خود را به‌عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهد (بوزان، ۲۰۰۰).

در آراء بوزان حوزه‌ای از حیات که فرد خود را به‌واسطه‌ی مفهوم «ما» بدان متعلق می‌داند و در برابر آن به احساس تعهد و تکلیف می‌کند موردنظر است. بنابراین هر عامل و پدیده‌ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضا یک گروه گردد، در واقع هویت آن گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آن قلمداد می‌گردد (بوزان، ۲۰۰۰). در این دیدگاه، همبستگی افراد یک جامعه، علاوه بر حفظ و بقاء، نیازمند حمایت و تقویت نیز است که این امر در سایه‌ی

برخورداری از امکانات صورت می‌گیرد. به میزانی که افراد جامعه از امکانات مختلفی چون آموزش، بهداشت، رفاه، آزادی و غیره بهره‌مند گردند، احساس خشنودی از تعلق به چنین جامعه‌ای داشته و دل‌بستگی میان و آن‌ها تقویت شده (نویدنی‌ا، ۱۳۸۶) و در نتیجه احساس امنیت آن‌ها افزایش خواهد یافت.

روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش انجام، توصیفی- پیمایشی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را تمامی افراد بالای ۱۵ سال شهر اردبیل می‌باشند. برای تعیین حجم نمونه نیز با استفاده از جدول مورگان تعداد ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. روش گردآوری اطلاعات میدانی با استفاده از پرسشنامه انجام شد. برای گردآوری اطلاعات از دو پرسشنامه به شرح زیر استفاده شده است.

نشاط اجتماعی: برای سنجش میزان نشاط اجتماعی، از پرسشنامه شادکامی آکسفورد استفاده شده است. این پرسشنامه ۲۹ گویه چهارگزینه‌ای دارد که گزینه‌های آن به ترتیب از (۰) تا (۳) نمره‌گذاری می‌شوند و جمع نمرات ۲۹ گویه، نمره کل مقیاس را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، نمره کل آزمودنی‌ها از (۰) تا (۸۷) در نوسان است. مقدار پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و با روش باز آزمایی پس از ۷ هفته، ۰/۸۷ بوده است. سؤالات ۱ تا ۲۹ بخش (ب) پرسشنامه مربوط به سنجش متغیر شادکامی است.

امنیت اجتماعی: برای سنجش این متغیر از پرسشنامه ۲۰ سؤالی با طیف لیکرت استفاده شده است. برای تعیین اعتبار محتوایی، پرسشنامه به تعدادی از صاحب‌نظران و اساتید رشته حقوق و جامعه‌شناسی و علوم رفتاری داده شده و از آن‌ها در مورد سؤالات و ارزیابی فرضیه‌ها نظرخواهی گردید و روایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت و پایایی پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش برای متغیر وابسته و برای هریک از

متغیرهای مستقل، محاسبه شد و آلفای همه آنها بالاتر از ۰/۹۱ به دست آمد. برای استخراج اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها از برنامه SPSS و آزمون‌های پارامتریک پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

جدول (۱)- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

گروه سنی	فراوانی	درصد
زیر ۳۰ سال	۱۳۴	۳۴/۸۹
۳۰ تا ۳۹	۸۰	۲۰/۸۳
۴۰ تا ۴۹	۷۸	۲۰/۳۱
۵۰ سال و بالاتر	۹۲	۲۳/۹۵
جمع	۳۸۴	۱۰۰

طبق نتایج جدول (۱) ۳۴/۸۹ درصد پاسخگویان با بیشترین فراوانی در گروه سنی زیر ۳۰ ساله هستند و ۲۰/۳۱ درصد با کمترین فراوانی در گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ ساله هستند.

جدول (۲)- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال	فراوانی	درصد
شاغل	۱۸۷	۴۸/۶۹
غیر شاغل	۱۹۷	۵۱/۳۰
جمع	۳۸۴	۱۰۰

طبق نتایج جدول (۲) ۴۸/۶۹ درصد پاسخگویان شاغل هستند و ۵۱/۳۰ درصد نیز غیر شاغل هستند.

جدول (۳)- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت جنسیت

وضعیت جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۲۲۰	۵۷/۲۹
زن	۱۶۴	۴۲/۷۰
جمع	۳۸۴	۱۰۰

طبق نتایج جدول (۳) ۴۲/۷۰ درصد پاسخگویان زن و ۵۷/۲۹ درصد نیز مرد بودند.

جدول (۴)- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
متأهل	۲۴۱	۶۲/۷۶
مجرد	۱۴۳	۳۷/۲۳
جمع	۳۸۴	۱۰۰

طبق نتایج جدول (۴) ۶۲/۷۶ درصد پاسخگویان متأهل بوده‌اند و ۳۷/۲۳ درصد نیز مجرد بودند.

جدول (۵)- نتایج ضریب همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه همبستگی بین ابعاد

امنیت اجتماعی با نشاط اجتماعی

عوامل	آماره‌ها	نشاط اجتماعی
میزان امنیت اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۷۴۴**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
امنیت شغلی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۳۳**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
امنیت روانی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۳۰**
	سطح معناداری	۰/۰۰۱
امنیت جانی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۳۳**
	سطح معناداری	۰/۰۰۷

طبق نتایج جدول (۵) و با توجه به اینکه سطح معناداری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۹ کمتر از ۰/۰۱ است، بنابراین می توان گفت که بین ابعاد امنیت اجتماعی با نشاط اجتماعی ۰/۷۴، امنیت شغلی ۰/۴۳، امنیت روانی ۰/۶۳ و امنیت جانی ۰/۲۳ است.

جدول (۶)- ضرایب مسیرهای رگرسیونی و آزمون معناداری ضرایب

Sig	T	ضرایب غیراستاندارد		مؤلفه ها
		انحراف استاندارد	B	
		Beta	معیار	
۰.۰۰۰	۸.۰۵۸		۰.۸۲۵	مقدار ثابت
۰.۰۰۰	۶.۳۷۰	۰.۴۱۵	۰.۲۴۶	امنیت اجتماعی
۰.۰۰۰	۶.۳۶۸	۰.۹۱۵	۰.۶۵۸	امنیت شغلی
۰.۰۰۰۶	۴.۰۷۹	۰.۵۷۱	۰.۵۵۲	امنیت روانی
۰.۰۰۰۲	۳.۰۸۹	۰.۵۹۹	۰.۵۱۵	امنیت جانی

برای تعیین تأثیر هر یک از متغیرهای امنیت اجتماعی، امنیت شغلی، امنیت روانی و امنیت جانی با عنوان متغیر پیش‌بین و میزان نشاط اجتماعی به‌عنوان متغیر ملاک، با تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش ورود تحلیل شدند. همان‌طور که در جدول شماره (۶) مشاهده می‌شود میزان p مشاهده‌شده در همه متغیرها معنی‌دار است و نتایج نشان می‌دهد که متغیر امنیت اجتماعی ($BETA= ۰/۴۱$)، امنیت شغلی ($BETA= ۰/۹۱$) امنیت روانی ($BETA= ۰/۵۷$) و امنیت جانی ($BETA= ۰/۵۹$) متغیر میزان نشاط اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند.

جدول (۷)- نتایج آزمون T با دو گروه مستقل جهت تعیین اختلاف میانگین نشاط

اجتماعی بر حسب جنسیت						
جنسیت	تعداد نمونه	نشاط اجتماعی	انحراف معیار	اختلاف میانگین	T	درجه آزادی
مرد	۲۲۰	۱۲۲/۵۵	۱۹/۸۵	۲۱/۲۵	۳/۵۷	۳۸۲
زن	۱۶۴	۱۰۱/۲۹	۲۵/۳۱			

برای بررسی تفاوت میانگین نشاط اجتماعی در بین زنان و مردان از آزمون t با دو گروه مستقل استفاده شده است. طبق نتایج جدول (۷) و با توجه به اینکه سطح معنی داری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۹ کمتر از ۰/۰۱ است؛ بنابراین می توان گفت که بین میزان نشاط اجتماعی با توجه به جنسیت آن ها تفاوت معنی داری وجود دارد و میانگین نشاط اجتماعی مردان بیشتر از زنان است.

نتیجه گیری

در ابتدا بایستی یادآور شد که از سال ۲۰۰۰ به بعد در نگاه سازمان ملل، برای تعیین سطح توسعه یافتگی کشورها، متغیرهای نشاط اجتماعی، امید به آینده و خشنودی و رضامندی اجتماعی در میان شهروندان نیز به عنوان یکی از شاخص های کلیدی وارد محاسبات شده اند. بدین معنی که اگر مردم یک جامعه، احساس نشاط و خشنودی و رضامندی نکنند، نمی توان آن جامعه را توسعه یافته (خصوصاً در حوزه توسعه اجتماعی) قلمداد نمود. جامعه ایران به لحاظ مواجه شدن با تحولات ساختاری همانند افزایش سالانه جمعیت، مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و هم چنین گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن و در آستانه ورود به عرصه دنیای فناوری شاهد بروز پدیده های مختلفی در حوزه امنیت و آسیب های اجتماعی است که این موضوع نشاط و شادی جامعه ایران را بیشتر از گذشته تحت تأثیر قرار داده است. موضوعی که بارها و در دفعات مختلف، توسط کارشناسان اجتماعی درباره ی توجه به آن هشدار داده شده است، مربوط به کم رنگ شدن میزان نشاط در جامعه ایران به ویژه در شهرهای بزرگ و صنعتی است. طبق یک مجموعه آماری بین المللی که توسط سازمان ملل ارزش ها، در بین ۹۵ کشور جهان از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ انجام شده است، ایران از نظر شادی و نشاط، در رتبه ۵۱ قرار دارد و این در حالی است که کشور ما با جمعیتی بالغ بر ۷۰ میلیون که بخش زیادی از آن را قشر جوان تشکیل می دهند، باید رتبه ای بسیار بالاتر از ۵۱ را دارا باشد؛ چرا که قشر جوان در هر کشور نشان از پویایی، حرکت و نشاط است. از همین روی، سنجش

میزان احساس نشاط اجتماعی از دو جنبه نظری و کاربردی حائز اهمیت است. اهمیت این تحقیق را می‌توان نظری و بنیادین خواند؛ چون موجب بسط شناخت منظم رشته جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی می‌شود. اهمیت دیگر این تحقیق، عملی و کاربردی بودن آن است که می‌توان از نتایج آن در عمل (سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی) برای حل مسائل اجتماعی سود جست. با توجه به نتایج به‌دست آمده هر یک از متغیرهای امنیت اجتماعی، امنیت شغلی، امنیت روانی و امنیت جانی با عنوان متغیر پیش‌بین و میزان نشاط اجتماعی به‌عنوان متغیر ملاک، با تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش ورود تحلیل شدند. همان‌طور که در جدول شماره (۶) مشاهده می‌شود میزان p مشاهده‌شده در همه متغیرها معنی‌دار است و نتایج نشان می‌دهد متغیر امنیت اجتماعی ($BETA= ۰/۴۱$)، امنیت شغلی ($BETA= ۰/۹۱$) امنیت روانی ($BETA= ۰/۵۷$) و امنیت جانی ($BETA= ۰/۵۹$) متغیر میزان نشاط اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند.

بنا به نتایج به‌دست آمده پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد.

- ۱- تصویب و اجرای قوانین حمایت از قشر جوان و تأمین نیازهای اساسی آن‌ها از قبیل اشتغال، ازدواج، تحصیلات،... که بدون رفع این نیازها شادی آن‌ها تأمین نمی‌شود.
- ۲- برای تربیت نسل آینده یک جامعه نشاط و شادی محیط خانواده اولین قدم است و همان‌طور که سال‌هاست کشورهای اروپایی و مدرن به موضوع شادی و نشاط اهمیت جدی قائل می‌شوند و برنامه‌های زیادی علاوه بر هماهنگی کردن ساختارهای اساسی جامعه، از قبیل ایجاد کارگاه‌های آموزش تکنولوژی فکر، آموزش رموز شاد زیستن، ارتقاء عزت‌نفس و خودباوری و ارتقاء امید به آینده و حمایت‌های اجتماعی و مالی از قشر جوان باید انجام داد. مسئولین کشور نیز باید برای شادی و نشاط محیط خانواده و جوانان، تلاش کنند و اهمیت زیادی قائل شوند.
- ۳- ایجاد اعتماد و امنیت ذهنی و عینی در کارکنان نسبت به آینده از طریق اطمینان دادن به امنیت شغلی و امنیت روانی محیط کار.

فهرست منابع

- ابراهیمی، نیره؛ بنی فاطمه، حسین (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین میزان احساس امنیت اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی در بین کارکنان استانداری آذربایجان شرقی، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۱-۲۶.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، ناامنی جهانی، چهره دوم جهانی شدن، تهران، انتشارات پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- افشار، زین‌العابدین (۱۳۸۵)، بررسی امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران (رساله کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران.
- الوانی، سیدمهدی (۱۳۷۸)، نظریه برابری، مجموعه مقالات رفتار سازمانی، چاپ اول، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- بوزان، باری (۲۰۰۰)، مردم، دولت‌ها و هراس، چاپ دوم، تهران انتشارات پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی
- پاییزی، مهناز؛ شهراری، مهدی؛ فرزدا، وحید؛ صفایی، پروین (۱۳۸۶)، بررسی اثربخشی آموزش ابراز وجود بر شادکامی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر پایه دوم رشته علوم تجربی دبیرستان‌های تهران. مطالعات روان‌شناختی، شماره ۴، صص: ۲۵-۴۳.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، جامعه‌ای امن در گفتمان خاتمی، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود؛ موسوی، سید محسن (۱۳۸۷)، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان، فصلنامه پژوهنده، سال نهم، شماره ۳۵۵، صص ۳۴۲-۳۶۰.
- خادمی، علی (۱۳۸۸)، بررسی میزان و رابطه امنیت اجتماعی و همگرایی قومیت‌های آذر و کرد در شهر ارومیه، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی خلخال، سال پنجم، شماره ۲۱، صص ۵۵-۸۸.
- عارفی، محمد (۱۳۸۲)، آسیب‌های اجتماعی درون خانواده، تهران، انتشارات علوم، ص ۱۰۴.

- ربانی، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ شادی، رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان، فصلنامه اندیشه و رفتار، دوره دوم، شماره ۷، صص ۴۱-۵۲.
- شریفی، خدیجه؛ سوکی، زهرا؛ تقریبی، زهرا؛ اکبری، حسین (۱۳۸۶)، وضعیت نشاط و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان طی سال تحصیلی ۸۵-۸۶، فصلنامه فیض، سال دوم، شماره ۱۱، صص ۷۴-۵۵.
- صفری شالی، رضا (۱۳۸۶)، راهنمایی تدوین طرح تحقیق، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- صمدی بگه جان، جمیل (۱۳۸۴)، امنیت اجتماعی در شهر سندج، تهران: دانشگاه تهران.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۳)، روانشناسی اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات بعثت.
- کرامتی، مهدی (۱۳۸۵)، بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان، مراکز استان‌ها، کشور فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا، مرکز مستندات اجتماعی، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۲۰-۵۵.
- مارشال ریو، جان (۱۹۹۸)، «انگیزش و هیجان»، ترجمه محمدی، یحیی، تهران: موسسه نشر.
- نویدنیان، منیژه (۱۳۸۶). امنیت اجتماعی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- Diener, E, & Seligman, M. E. P. (2002). Very happy people. Psychological Science
- Franck, KL, Buehler, C. (2008). A family process model of marital hostility, parental depressive affect, and early adolescent problem behavior: the roles of triangulation and parental warmth. Journal of family psychology, 20(2).240 – 277.
- Seligman MC, Rouyman M (2003). Positive psychology: An introduction. American Psychologist
- Veenhoven, R. (1984) Conditions of Happiness. Dordrecht: Kluwer Academic Perspective (1981-2007).